

## جنایات حکومت اسلامی و یاهه گویی های سفیر حکومت رعب و وحشت در استکهلم؟!!

بهرام رحمانی

[bamdadpress@ownit.nu](mailto:bamdadpress@ownit.nu)

سفارتخانه ها و کنسولگری های حکومت اسلامی، به دلیل این که مراکز ترور و جاسوسی هستند باید تعطیل گردند. بنابراین، یکی از مطالبات اصلی اپوزیسیون سرنگونی طلب حکومت اسلامی در خارج کشور، تلاش برای تعطیلی این مراکز و به طور کلی بایکوت سیاسی (نه اقتصادی) این حکومت جانی و تروریست است. این اقدام سیاسی، هیچ خللی در کارهای اداری و رفت و آمد ایرانی ها به داخل و خارج کشور به وجود نمی آورد. زیرا همه کارهای اداری ایرانیان و دیگر مراجعه کنندگان را دفاتر اداری و مصلحت گذاری می توانند انجام دهند.

پس از تظاهرات نیروهای چپ و آزادی خواه ایرانی در مقابل سفارت حکومت اسلامی در استکهلم و ورود تنی چند از تظاهرکنندگان به این مرکز، رسول اسلامی سفیر حکومت ترور و رعب و وحشت اسلامی در استکهلم، در گفتگو با رسانه های سوئدی و حکومت اسلامی، آن چنان به یاهه گویی افتاده است تا بلکه وحشی گری های حکومت شان را پرده پوشی نماید. او، کسانی را که وارد سفارت شده بودند، «خشونت طلب» و «تروریست» می نامد؟! در حالی که تمام مردم جهان نه امروز، بلکه از سی سال پیش تاکنون همواره از ایران اخبار و گزارشات سرکوب و کشتار، ترور و سنگسار، جهل و خرافات اسلامی از یک سو و مبارزه برای آزادی از سوی دیگر می شنوند. جنایاتی که سران و نوریسن ها و کارشناسان حکومت اسلامی آگاهانه بر علیه بشریت طراحی می کنند و توسط ارگان های سرکوب و ترور خود به مرحله اجراء می گذارند. بنابراین، سران حکومت اسلامی ایران از خمینی تا خامنه ای، از رفسنجانی تا احمدی نژاد، از موسوی تا محسن رضایی و غیره، به دلیل طراحی و سازمان دهی ترور و وحشت، سرکوب و کشتار، شکنجه و اعدام، سرکوب سیستماتیک زنان، سانسور و اختناق، خصومت و دشمنی با آزادی بیان، قلم، اندیشه و تشکل، تحمیل بی حقوقی بر کودکان، استثمار شدید مزدگیران، و غیره شهرت جهانی دارند. از این رو، یک واقعیت غیرقابل انکار در مورد اعمال سیاست های غیرانسانی و ارتجاعی حکومت اسلامی، این است که هیچ شهروند ایرانی، در زیست و زندگی خود، احساس امنیت نمی کند و همواره حقوق شان توسط نیروهای سرکوبگر حکومتی مورد تعرض قرار می گیرد.

خبرگزاری حکومتی فارس، ۲۲ تیر ۱۳۸۸ - ۱۴ یولی ۲۰۰۹، گفتگوی مفصلی را با رسول اسلامی، سفیر حکومت اسلامی در استکهلم انجام داده است. وی در این گفتگو، تظاهرکنندگانی را که وارد این مرکز ترور شده بودند، تروریست هایی می نامد که فقط به فکر «منافع خویشند نه منافع ملت ایران»؟! نیروهای چپ و آزادی خواه ایرانی در تظاهرات مقابل سفارت حکومت اسلامی، که موفق شده بودند با تصاویر ندا، شعارهای سرنگون باد حکومت اسلامی، زنده باد آزادی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد و غیره وارد محوطه این سفارت شوند با یورش وحشیانه تروریست - دیپلمات های حکومت اسلامی روبرو شدند. دست کم دنده های خانمی با باتوم یکی از این جنایت کاران آسیب دید؛ به یک فعال سیاسی چاقو زدند و انگشت دست نفر سوم را شکستند. تظاهرکنندگان اسلحه کمتری یکی از مامورین سفارت را که قصد تیراندازی داشت از دستش درآوردند و به خارج از سفارت آوردند. دو روز بعد این کلت که گلوله شوک آور شلیک می کند و کشنده نیست نخست به روزنامه اکسپرسن برده شد و پس از تهیه عکس و گزارش، سپس به پلیس سوئد تحویل داده شد. فعلا هم روزنامه اکسپرسن و هم پلیس سوئد، مساله اسلحه کشیدن مامور امنیتی سفارت به روی تظاهرکنندگان را راکت گذاشته اند. شاید در مورد آن اسلحه بررسی می کنند که آیا سفارت مجاز بود چنین اسلحه ای داشته باشد و یا نه؟ و یا این که مصلحت و منافع اقتصادی و سیاسی بین دو دولت سوئد و ایران، باعث این سکوت شده است؟! به خصوص رسول اسلامی، فرمانده تروریست - دیپلمات - تروریست های مستقر در سفارت، در گفتگوهای خود هیچ اشاره ای به مساله اسلحه کشیدن یکی از تروریست هایش به روی تظاهرکنندگانی که تنها سلاح شان شعار دادن علیه حکومت اسلامی و حمل باندرول و بلاکارد بود، نمی کند؟! لابد حکمت مشترکی در امر مخفی کردن این مساله توسط سفیر حکومت اسلامی و پلیس و رسانه سوئدی وجود دارد؟ حکمتی که ریشه آن را باید در منافع اقتصادی و سیاسی دو کشور مورد بحث و بررسی قرار داد. این دولت ها همیشه حاضرند به خاطر منافع اقتصادی و سیاسی خود، به هر جنایت و سازش مخفی و علنی تن دهند!

حتی برای دولت های دمکراتیک غرب، معنی و مفهوم دفاع از حق و حقوق انسانی، اسم رمز پیشبرد رقابت های اقتصادی و سیاسی شان است نه به معنای واقعی دفاع از حقوق بشر! دولت سوئد، رابطه اقتصادی و سیاسی بسیار نزدیک و تنگاتنگی با حکومت اسلامی دارد. دست کم یکی از نمایندگان ایرانی حزب حاکم «مدرات» در پارلمان این کشور، روابط بسیار حسنه ای با سفارت و مقامات ایرانی دارد و آشکارا نقش دلال اقتصادی و یا احتمالا نقش تبادل اطلاعات با مقامات سیاسی - امنیتی حکومت اسلامی را ایفاء می کند.

در هر صورت فعالین سیاسی ایرانی در استکهلم به ویژه فعالین چپ چاقوکشی و اسلحه کشی تروریست های حکومت اسلامی در سفارت به روی تظاهرکنندگان را از نزدیک دنبال می کنند و در تلاشند که تروریست های ساکن در سفارت ایران در استکهلم و به ویژه فرمانده آن ها رسول اسلامی را در نزد افکار عمومی سوئد، آن چنان رسوا کنند تا دولت سوئد مجبور گردد در این مرکز ترور را ببندد و دیپلمات - تروریست های حکومت اسلامی را اخراج کند و هم چنین به عنوان رییس دوره ای اتحادیه اروپا، بایکوت سیاسی حکومت اسلامی و بستن مراکز ترور آن در کلیه کشورهای اتحادیه اروپا را به تصویب برساند.

سفارت حکومت اسلامی در استکهلم، نه تنها جاسوسی علیه نیروهای مخالف حکومت اسلامی در سوئد را به عهده دارد، بلکه در سطح اروپا نیز در این رابطه نقش مهمی ایفاء می کند. زیرا تروریست و جاسوس های حکومت اسلامی به راحتی به سوئد و از آن جا به کشورهای دیگر رفت و آمد می کنند. تاکنون بارها و بارها

پس از این که جاسوسان و تروریست های حکومت اسلامی در سوئد دستگیر و اخراج شده اند فقط خبر کوتاهی از آن در رسانه ها انعکاس یافته است، بدون این که پلیس امنیتی سوئد (سیو)، فعالین سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را که جاسوسان حکومت اسلامی در مورد آن ها اطلاعات جمع آوری می کردند، مطلع سازد.

غلام کشاورز، شهروند سوئد بود که در سال ۱۳۸۹، با وجود این که احساس خطر می کرد عشق دیدن مادر او را به فیرس کشید و در لارناکا ترور شد. هنوز هم دولت سوئد، در مورد این ترور به افکار عمومی جامعه سوئد و به ویژه شهروندان ایرانی توضیحی نداده است.

عفت قاضی، در شهر وستروس سوئد زندگی می کرد که در صندوق پستی اش بمب گذاشتند و هنگامی که وی در صندوق را باز کرد با انفجار شدید آن جان باخت.

به منزل کامران هدایتی در استکهلم، بمب پستی فرستادند که در اثر انفجار آن، چشمان و ریه هایش آسیب سختی دید و چندی بعد درگذشت.

در مورد این ترورها، دولت سوئد هیچ توضیحی به جامعه نداده است. بنابراین، انتظاری چندانی نباید داشت که دولت سوئد و دیگر دولت های به اصطلاح دموکراتیک غرب، در مقابل تروریسم حکومت اسلامی و نقض آشکار و روزانه حقوق بشر در ایران، موضع جدی بگیرند. چرا که معنی واقعی دفاع از حقوق بشر برای این دولت ها، پیشبرد رقابت های اقتصادی و سیاسی شان است و ربط مستقیمی به دفاع جدی از حقوق انسان ها ندارد. اگر واقعا ربطی داشت تاکنون حکومت اسلامی باید توسط همه دولت های غربی بایکوت سیاسی می شد. تروریست های حکومت اسلامی، در اکثر کشورهای جهان از جمله در اتریش، فرانسه، عراق، ترکیه، سوئیس، آلمان، آرژانتین، ایتالیا، سوئد، نروژ، ژاپن، دانمارک، لبنان، و غیره عملیات تروریستی انجام داده اند و پرونده های سنگین تروریستی دارند. آرشيو پلیس مخفی های آن ها، مملو از پرونده های تروریست های حکومت اسلامی است. اما این دولت ها، هرگز در این سی سال حاکمیت خونین حکومت اسلامی، موضع جدی علیه این حکومت اتخاذ نکرده اند. اکنون هم که در سی سالگی این حکومت نکبت و وحشی، میلیون ها نفر از مردم جان به لب رسیده ایران به خیابان ها ریخته اند و نیروهای سرکوبگر این حکومتی در این مدت یک ماهه، صدها نفر را در خیابان ها با گلوله و یا در زندان ها زیر شکنجه کشته اند؛ هنوز تعداد بی شماری مفقودان هستند؛ بیمارستان ها مملو از زخمی ها و زندان ها پر از زندانیان است اما هنوز هم دولت های غربی با این حکومت رعب و وحشت و ترور به مماشات می پردازند. در حالی که اکثریت مردم ایران در خیابان ها، با شعارهایی هم چون «مرکز بر دیکتاتور چه رهبر چه دکتر»، «زندان سیاسی آزاد باید گردد»، «مرکز بر حکومت اسلامی» و...، سر می دهند و خواهان بایکوت سیاسی (نه اقتصادی) این حکومت جانی هستند تا با مبارزه متحد و مستقل خود، این حکومت جانی را نیز به همان کورستانی روانه کنند که سی سال پیش حکومت شاهنشاهی را فرستاده اند، در حالی که نه تنها هنوز یک سیاست شفاف در رابطه با سرکوب و کشتار وحشیانه مردم ایران، از دولت آمریکا تا دولت های اروپایی و اسکاندیناوی بر علیه حکومت اسلامی اتخاذ نکرده اند، بلکه احتمال این که مانند دولت روسیه، چین، ونزولا و غیره رابطه خود را با دولت احمدی نژاد گسترش دهند قابل پیش بینی است. تنها با مبارزه پیگیر مردم ایران و حمایت و همبستگی جهانی از مبارزات آن ها می توان دولت ها را به عقب نشینی وادار کرد تا به جای به رسمیت شناختن دولت آدم کش احمدی نژاد و کل حکومت اسلامی، حقانیت مبارزه مردم ایران را به رسمیت بشناسند.

تا آن جا که به سخنان سفیر جهل و جنایت برگردد ایشان تظاهرکنندگان مقابل سفارت در استکهلم را مشتی تروریست معرفی کرده است: «تعدادی انگشت شمار از اعضای گروه های شناخته شده تروریستی در تاریخ ۵ تیر ماه با زور وارد سفارت شده و خساراتی وارد کردند. این متجاوزین از اجتماع مسالمت آمیز در مقابل سفارت حضور یافته بودند سوء استفاده کرده و در میان جمع مذکور پنهان شده بودند.» اولاً، باید خاطرنشان کرد که بزرگ ترین رهبر رسول اسلامی ها، یعنی خمینی بود که تروریسم دولتی را با صدای بلند با صدور فتوای کشتن سلمان رشدی، نویسنده انگلیسی کتاب «آیات شیطانی» اعلام کرد. حکومت اسلامی، در این سی سال حاکمیت وحشیانه خود، ده هزار انسان را در زندان ها اعدام کرده است. قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷، به دستور خمینی، هنگامی صادر شد که علی خامنه ای رییس جمهور و میرحسین موسوی نخست وزیر بودند اوج وحشی گری همه جناح های حکومتی و دم و دستگاه مخوف آن را به جهانیان نشان داد. شکی نیست که رسول اسلامی نیز این مراحل آدمکشی را طی کرده و به همین دلیل نیز به پست دیپلمات - تروریست رسیده است. بنابراین، سازمان دهندگان تظاهرات مقابل سفارت جهل و جنایت، انسان های مبارز و آزادی خواه شناخته شده سیاسی در میان نیروهای چپ هستند که تمام زندگی خود را آگاهانه و عمدانه و شبانه روز وقف مبارزه با حکومت جهل و جنایت و برقراری یک جامعه آزاد و برابر و انسانی در ایران کرده اند طبیعی ست که مورد خشم تروریست - دیپلمات ها قرار گیرند؛ خانواده هایشان در ایران تهدید و تحت فشار واقع شوند و اگر هم تروریست - دیپلمات ها فرصتی گیر بیاورند بی تردید آن ها ترور هم می کنند. اما رسول اسلامی و هم فکرائش مطمئن باشند همان طور که رسانه هایشان نیز اقرار کرده اند استکهلم «بایتخت اپوزیسیون ایرانی» است که همواره حکومت اسلامی را افشاء و رسوا می کنند و برای سرنگونی کلیت آن و برقراری یک جامعه واقعا انسانی و برابر می کوشند.

در حال حاضر نیروهای سیاسی چپ و آزادی خواه در سراسر دنیا، صدای اعتراض و حقانیت مبارزه مردم ایران را بر علیه حکومت اسلامی، به گوش جهانیان رسانده و عزم و اراده خود را در جهت سرنگونی حکومت اسلامی نشان داده اند. اکنون آن فضای سیاسی و اجتماعی که بر جامعه ایران حاکم است بی شک تا سرنگونی حکومت اسلامی ادامه خواهد یافت. سرکوب ها و جنایات نیروهای سربرگر حکومتی، در بهترین حالت می تواند برای دوره ای موقت سقوط آن را به تاخیر بیندازد اما نمی تواند مانع سرنگونی آن شود.

تظاهراتی که به دعوت «ستاد دفاع از مبارزات مردم ایران در استکهلم» (متشکل از نیروها و سازمان ها و احزاب چپ و دموکراتیک و فعالین سیاسی کمونیست) برای آزادی فوری کارگران دستگیر شده در اول ماه مه پارک لاله برگزار شده بود، تعدادی موفق شدند وارد مرکز ترور حکومت اسلامی شوند و از این طریق خشم و نفرت اکثریت مردم ایران را نسبت به این حکومت نشان دهند. این اقدام، تاثیر عمیقی در روابط دولت سوئد و حکومت اسلامی داشت، آن هم در شرایطی که دولت سوئد ریاست دوره ای اتحادیه اروپا را تحویل می گرفت اهمیت و جایگاه آن چندین برابر می شد.

دولت سوئد، از روز چهارشنبه ۱۰ تیر ۸۸، ریاست دوره ای اتحادیه اروپا را بعد از جمهوری چک به مدت شش ماه برعهده گرفته است. نیروهای آزادی خواه و چپ در سوئد نباید این فرصت را از دست بدهند؛ از این رو، ضروری است آن چنان مبارزه خود را پیگیر و مداوم و همه جانبه از آکسیون ها خیابانی گرفته تا دیدارهای دیپلماتیک و تبلیغی پیش ببرند تا دولت سوئد را مجبور سازند بایکوت سیاسی حکومت اسلامی را در اتحادیه اروپا پیگیری کند. قطعاً نیروهای چپ و آزادی خواه ایرانی در کشورهای دیگر نیز می توانند با برگزاری تظاهرات هایی در مقابل سفارتخانه های سوئد به این امر مهم یاری برسانند.

در این جا به گوشه هایی از نگرانی و هراس و هم چنین تلاش های مسئولان و ارگان های ذربط حکومت اسلامی با دولت سوئد، برای خنثی کردن تاثیر سیاسی و اجتماعی ورود تظاهرکنندگان به سفارت حکومت اسلامی در استکهلم و عدم تکرار آن، که از جمله در خبرگزاری حکومتی «مهر» انعکاس یافته است، اشاره می کنیم:

- «به گزارش خبرگزاری مهر، کارل بیلت وزیر امور خارجه سوئد بعد از ظهر امروز (چهارشنبه ۱۰ تیر) در تماس تلفنی با منوچهر متکی وزیر امور خارجه کشورمان از حادثه حمله به سفارت جمهوری اسلامی ایران در استکهلم پایتخت این کشور ابراز تاسف کرد.

وی با تاکید بر این که پلیس از نزدیک در حال پیگیری موضوع می باشد، به عنوان رئیس جدید اتحادیه اروپا ابراز امیدواری کرد که مسائل پیش آمده بین ایران و انگلیس نیز با همکاری دو کشور حل و فصل گردد. در ادامه متکی با انتقاد از کوتاهی پلیس سوئد در جلوگیری از حمله مهاجمان به سفارت کشورمان در سوئد خواستار اقدام دولت این کشور در محاکمه مهاجمین شد و تصریح کرد: این افراد تروریست هایی هستند که در روز انتخابات با اقدامات ایدایی سعی در جلوگیری از شرکت ایرانیان در انتخابات ریاست جمهوری داشتند...»

- «به گزارش خبرگزاری مهر، اداره کل اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه در این زمینه اعلام کرد که سفیر سوئد در تهران پس از احضار به وزارت امور خارجه با اظهار تاسف عمیق از وقوع این رخداد زشت اعلام کرد مراتب را فوراً به وزارت خارجه کشورش منعکس و نتیجه را گزارش خواهد کرد... استکهلم، یکی از مراکز تجمع نیروهای مخالف جمهوری اسلامی از طیف های گوناگون اعم از چپ و مارکسیستی تا سلطنت طلب و منافقین در اروپا است، این تمرکز و تراکم به حدی است که از این شهر به درست یا غلط به عنوان «پایتخت اپوزیسیون ایرانی» نام برده می شود... ۱۳۸۸/۰۴/۰۶»

- «محمد کاظم انبارلویی، کارشناس مسائل سیاسی و عضو شورای سردبیری روزنامه رسالت در گفتگو با خبرنگار مهر افزود: بی تردید سفارت هر کشور به منزله خاک آن کشور است و حمله به سفارت ایران در سوئد نیز باید به معنای حمله به خاک جمهوری اسلامی ایران تفسیر شود، طبعاً طبق قوانین بین المللی حراست از سفارت خانه های کشورهای خارجی بر عهده دولت های میزبان است و تهران باید در این خصوص قاطعانه با دولت سوئد برخورد کرده و به آن اختطاری جدی بدهد... ۱۳۸۸/۰۴/۰۶»

- سیدحسین نقوی حسینی، نماینده ورامین در مجلس، در گفتگو با خبرنگار مهر، درباره حمله به سفارت جمهوری اسلامی ایران در استکهلم، اظهار داشت: «البته این پروژه از قبل طراحی شده بود به گونه ای که بخشی از آن در خیابان های تهران جلوه گر شد. نماینده مردم ورامین در مجلس شورای اسلامی با بیان این که قسمت دیگری از این پروژه به منافقین کشیدن روابط ایران با سایر کشورها به ویژه کشورهای غربی است، خاطرنشان کرد: شاهد این مدعا حمله مذبحخانه منافقین کوردل به سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران در آن کشورها بوده است.

این عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی با بیان این که حمله به سفارتخانه ایران در استکهلم سوئد نیز بخشی از پروژه بحران سازی علیه جمهوری اسلامی است، تصریح کرد: از سوئد فویا می خواهیم که مطابق حقوق بین الملل و حفظ حرمت سفارتخانه یک کشور خارجی در کشور خود با اغتشاشگران برخورد قانونی نماید و از دولت جمهوری اسلامی ایران هم بر اساس عرف بین الملل عذرخواهی کند. ۱۳۸۸/۰۴/۰۷»

- به گزارش خبرگزاری مهر، «رسول اسلامی سفیر کشورمان ابتدا ابعاد اقدام تجاوزگرانه تعدادی از عناصر گروه های تروریستی در حمله به سفارت کشورمان را تشریح و مجدداً مراتب اعتراض شدید وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نسبت به عدم توانایی پلیس سوئد در برخورد موثر با عناصر خشونت طلب متجاوز به سفارت ایران در استکهلم را اعلام کرد.

اسلامی هم چنین خواهان شناسایی سریع عوامل این اقدام مغایر با قوانین و کنوانسیون های بین المللی و مجازات آن ها شد.

تروله مدیر کل تشریفات و ریبری رئیس دپارتمان خاورمیانه و شمال آفریقای وزارت خارجه سوئد، در این ملاقات تاکید کردند که پلیس سوئد نسبت به ارزیابی اشتباه خود در رابطه با احتمال هجوم برخی عناصر خشونت طلب حاضر در میان تظاهرات کنندگان به سفارت جمهوری اسلامی ایران اعتراف نموده و معتقد است در زمان بروز واقعه نیروی امنیتی لازم در محل حضور نداشته است.

آنان به نمایندگی از آقای بلغراک قائم مقام وزیر خارجه سوئد در غیاب مشارالیه قول دادند که عاملین این اقدام با جدیت مورد پیگیری قرار گرفته و مجازات خواهند شد. از این رو پس دولت سوئد به عناصر خشونت طلب اجازه حضور در مقابل سفارت ایران در استکهلم را نخواهد داد و هم چنین خسارات وارده به نمایندگی را به طور کامل جبران خواهد کرد.

ریبری تاکید کرد: با کسانی که به بهانه بیان دیدگاه های سیاسی به تحریک افراد و گروه ها برای اعمال مجرمانه و خشونت آمیز از جمله ورود بدون مجوز به یک سفارتخانه خارجی مبادرت ورزند، با قاطعیت برخورد خواهد شد... ۱۳۸۸/۰۴/۱۰»

از اسلامی، این سفیر رعب و وحشت و ترور باید سنوآل کرد اگر ورود تنی چند از تظاهرکنندگان به سفارت و شکستن چندین شیشه «خشنوت» و «تروربسم» است پس سی سال وحشی گری و تبه کاری و آدم کشی های دسته جمعی حکومت اسلامی چیست؟ آیا سفرای این حکومت جهل و جنایت در خارج کشور فکر می کنند با این باوه گویی هایشان می توانند افکار عمومی مردم جهان را از جنایاتی که حکومت شان هر روز بر علیه بشریت مرتکب می شود، به مساله دیگری منحرف سازند؟ آیا اسلامی و هم کیشانش نمی دانند که حکومت شان در نزد افکار عمومی مردم مترقی جهان، جانی تر و نفرت انگیزتر از حکومت هیتلر و موسولینی، پینوشه، پولپوت، صدام حسین، بن لادن و غیره است؟!

در پایین به چند نمونه از وحشی گری های تروریست ها و ارادل و اوباش حکومت اسلامی و در راس همه علی خامنه ای و احمدی نژاد در هفته های اخیر اشاره می کنیم:

\* روزنامه گاردین، چاپ بریتانیا، گزارشی در شرح وقایع حمله پس از حمله اخیر به کوی دانشگاه تهران از زبان شاهدان عینی چاپ کرده است.

این جامع ترین گزارشی است که تاکنون از وقایع ساعات نخست دوشنبه ۲۵ خرداد ماه ۸۸، که طی آن نیروهای امنیتی حکومت ایران به خوابگاه دانشگاه تهران حمله کردند، منتشر می شود.

گاردین می نویسد حمله آن شب در حالی رخ داد که تهران دو روز پس از انتخابات هنوز از خشم بروز «تقلب» آرام نداشت... در داخل خوابگاه در خیابان امیر آباد شمالی دانشجویان برای خواب آماده می شدند، هرچند اعصاب متشنج بود، تنها ساعاتی پیش تر چندین نفر در برابر در اصلی دانشگاه کتک خورده بودند.»

این روزنامه می نویسد: «آنچه بعد از آن اتفاق افتاد به یکی از رویدادهای محوری در ناآرامی های پس از انتخابات بدل شد؛ پلیس با یورش خشن به داخل خوابگاه ها به شکستن قفل ها و بعد استخوان ها پرداخت، به ده ها دانشجو حمله کرد، بیش از ۱۰۰ نفر را با خود برد و پنج نفر را کشت... اما شرحی که از مصاحبه با پنج فرد حاضر در حادثه به دست می آید، داستانی متفاوت را بازگو می کند.»

یکی از ۱۳۳ دانشجویی که آن شب دستگیر شدند به گاردین گفت: «ما آماده خوابیدن می شدیم که ناگهان صدای شکسته شدن قفل ها توسط آن ها که می خواستند وارد اتاق شوند را شنیدیم. پیش تر آن ها را در حال کتک زدن دانشجویان دیده بودم اما تصور نمی کردم داخل بیابند. این حتی خلاف قوانین ایران است.»

پلیس با یورش خشن به داخل خوابگاه ها به شکستن قفل ها و بعد استخوان ها پرداخت، به ده ها دانشجو حمله کرد، بیش از ۱۰۰ نفر را با خود برد و پنج نفر را کشت...

به نوشته گاردین، ۶۱ دانشجو از یکی از خوابگاه ها دستگیر و به زیرزمین وزارت کشور در آن نزدیکی در خیابان فاطمی منتقل شدند...

در این گزارش آمده است: «پنج نفر جان باختند: فاطمه براتی، کسری شرفی، مبینا احترامی، کامبیز شعاعی و محسن ایمانی. آن ها روز بعد در بهشت زهرا تهران دفن شدند که گزارش می شود بدون مطلع کردن خانواده های آن ها بود. تحکیم وحدت، یک سازمان دانشجویی، نام آنها را تایید کرده است.»

در ادامه گزارش گاردین آمده است: «شاهدان عینی گفتند که این دو دختر و سه پسر هدف ضربات مکرر بانوم برقی در ناحیه سر قرار گرفتند. به خانواده هایشان اخطار داده شد درباره بچه هایشان صحبت نکنند و مراسم ترحیم برگزار نکنند - مانند والدین ندا آقا سلطان، که چهره اش پس از پخش فیلم کشته شدن او به ضرب گلوله در خیابان، با جنبش اعتراضی مترادف شد.»

یک دانشجو حوادث یک شب را چنین برای گاردین بازگو کرد: «پلیس به داخل خوابگاه ها گاز اشک آور شلیک کرد، ما را زد، پنجره ها را شکست و مجبورمان کرد بر زمین دراز بکشیم. من حتی تظاهرات هم نکرده بودم اما یکی از آن ها رویم پرید، پشتم نشست و مرا زد. و بعد در حالی که تظاهر می کرد در جستجوی جاقو و تفنگ است، از من سوءاستفاده جنسی کرد. تهدیدمان می کردند که ما را حلق آویز کنند و به ما تجاوز کنند.»

به گزارش گاردین، یک دانشجوی دیگر ماجرا را این طور شرح داد: «پلیس ضدشورش در دو صف ایستادند و با بالا گرفتن سپرهایشان یک تونل تشکیل دادند. آن ها وادارمان کردند بارها از میان آن بدویم. ما را می زدند و بر سپرهایشان می کوبیدند. پای یکی از هم اتافی هایم شکسته بود اما باز هم وادارش کردند بدود.»

گاردین می نویسد که دیگران رفتار مشابهی را از بسیجی ها دیده بودند. یک دانشجو به این روزنامه گفت: «یک بسیجی که پشتم نشست بود به من گفت: «پسر خوشگله الان هفت ساله که کسی را... وقتی رسیدم نشونت می دم که چکار می توئم باهات بکنم.» آن ها ما را آزار می دادند و مدعی بودند که به آن ها یا رهبر نوهین کرده ایم.»

به نوشته گاردین، یک دانشجوی دیگر در حالی که گریه می کرد گفت: «طرف یک ثانیه فهمیدم که این ساختمان اصلی وزارت کشور در خیابان فاطمی است. باورم نمی شد، سیاستمداران ارشد، اعضای پارلمان و بازرسان در طبقات بالایی بودند و ما در زیر زمین...»

گاردین می نویسد که به گفته شاهدان عینی پلیس و ماموران زخمی ها را به حال رها کرده بودند و کسی به یک دانشجو که یکی از چشمانش را در اثر اصابت گلوله پلاستیکی از دست داده بود کاری نداشت. یک شاهد گفت: «ما به آن ها تمنا می کردیم کسانی را که بیش از دیگران آسیب دیده بودند به بیمارستان ببرند اما آن ها فقط می گفتند: ولشان کنید تا بمیرند.»

گاردین می نویسد: «این محصمه ۲۴ ساعت بعد وقتی فرهاد رهبر رئیس دانشگاه تهران و علیرضا زاکانی یک نماینده تهران در مجلس، برای بازداشتی ها صحبت کردند تمام شد. رهبر به آن ها گفت که او اجازه ورود پلیس برای کنترل اوضاع خوابگاه را داده بود - اما او چند روز بعد این مساله را تکذیب کرد.»

به نوشته گاردین، پلیس پیش از آزاد کردن دانشجویان لباس های تازه در اختیار آن ها قرار داد. یک دانشجو گفت: «نمی خواستند هیچ شاهدهی از آنچه اتفاق افتاده بود وجود داشته باشد. اما چه شاهدهی بالاتر از ۱۳۳ دانشجویی که آن جا بودند و همه چیز را دیدند و عذاب کشیدند؟»

\* سهراب اعرابی، جوان ۱۹ ساله ای بود که در جریان تظاهرات مردم علیه حکومت اسلامی در ۳۰ خرداد ۸۸ دستگیر شده بود. مادر سهراب، هر روز برای پیدا کردن فرزندش به زندان اوین می رفت و با نشان دادن عکس سهراب به کسانی که آزاد می شدند سراغ او را می گرفت. ویدئوی صحنه هایی که مادر نگران سهراب را در

برابر زندان اوین در حال جستجوی فرزندش نشان می دهد در سایت های اینترنتی منتشر شده است. هنگامی مشخص شد فرزند او در زندان اوین است در کنار مادران سایر دستگیرشدگان هر روز برای آزادی او تلاش می کرد. مقامات مسئول حکومت اسلامی به او وعده دادند که سهراب را به زودی آزاد خواهند کرد. قرار بود که سهراب به قید کفالت آزاد شود اما روز شنبه ۲۰ تیر ۸۸، به خانواده او اطلاع می دهند که سهراب در زندان کشته شده است.

ملیحه محمدی، عمه سهراب اعرابی، به رادیو فردا گفته است: «سهراب بر اثر اصابت گلوله به زیر قلبش کشته شده است.» خانم محمدی افزود: سهراب اعرابی پس از شرکت در راهپیمایی ۲۵ خرداد، دیگر به خانه برگشته بود. در این مدت مادر وی هر روز برای کسب اطلاع از سرنوشت فرزندش به مقابل زندان اوین می رفت، ولی مسئولان مربوطه از دادن اطلاعات خودداری می کردند.

\* براساس خبرهای منتشر شده، تحویل جنازه های جانبختگان رویدادهای اخیر در تهران و شهرهای مختلف به خانواده هایشان آغاز شده است. ارگان های امنیتی و قضایی حکومت اسلامی، جنازه جانبختگان را که بیش تر آن ها در ۲۵ خرداد و پس از آن در خیابان ها و یا بر اثر شکنجه در زندان ها جان خود را از دست داده اند، تحویل دهند. برای مثال در آگاهی شاهپور، ۵۰ عکس متعلق به جانبختگان وجود دارد که از خانواده ها می خواهند با مراجعه به آن جا عزیزان خود را شناسایی کنند. سهراب اعرابی که روز ۲۵ خرداد تیر خورده و روز ۲۸ خرداد جنازه اش تحویل پزشکی قانونی کهریزک شده بود، تنها یکی از این ۵۰ نفر بوده است. براساس گزارش ها، یکی دیگر از خانواده ها، جنازه پسرش را در حالی برای دفن تحویل گرفته که تنها صورتش مشخص بوده و تمام بدنش را سیمان گرفته بودند، به همین دلیل، روشن است که ماموران قضایی و امنیتی نمی خواسته اند خانواده متوجه آثار شکنجه شدید شوند.

\* کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران، در تاریخ ۲۴/۰۴/۱۳۸۸ اعلام کرد که تنها در یک روز از ماه گذشته، ۳۴ جسد تحویل سردخانه های سه بیمارستان شده، در حالی که دولت تعداد کشته شدگان حوادث یک ماه اخیر را ۲۰ نفر اعلام کرده است.

این نهاد مدافع حقوق بشر که مقرش در نیویورک است با انتشار بیانیه ای اعلام کرد که «در روز ۲۰ خرداد ماه (۲۰ ژوئن) زمانی که دولت اعلام کرد که ۱۱ نفر در راهپیمایی کشته شده اند، فقط در سه بیمارستان تهران ۳۴ جسد راهپیمایان تحویل سردخانه شده است. طبق گزارش، ۱۹ جسد در بیمارستان امام خمینی، هشت جسد در بیمارستان رسول اکرم و هفت جسد در بیمارستان لقمان حکیم در همان شب ۲۰ خرداد ماه تحویل سردخانه های این بیمارستان ها شده است.»

کمپین بین المللی حقوق بشر هم چنین گفت این اطلاعات توسط پرسنل این بیمارستان ها که به اطلاعات سردخانه دسترسی داشتند بدست آمده است.

سایت نوروز که وابسته به اصلاح طلبان است، به نقل از یک شاهد عینی که نخواست نامش فاش شود، نوشته است که وی را به سردخانه ای در جنوب غربی تهران که مخصوص نگهداری میوه و محصولات لبنی بوده است برده اند و آلبومی در اختیارش گذاشته اند که تصویر صدها کشته در آن بوده است و از او خواسته اند تا جنازه فرزندش را بین آن ها پیدا کند. به گفته وی دیدن تصاویر کشته شده ها نزدیک به نیم ساعت طول کشید.

سایت نوروز هم چنین روز سه شنبه خبر داد که «یعقوب براویه، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته نمایش در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تهران، روز چهارم تیر ماه توسط نیروهای بسیج از بام مسجد لولاکر مورد اصابت گلوله فرار گرفت، از ناحیه سر مجروح شد و بلافاصله توسط دوستانش به بیمارستان لقمان انتقال یافت اما به رغم تلاش پزشکان برای جان وی، در نهایت دچار مرگ مغزی شد و درگذشت.»

دست کم در یک مورد تصاویر ویدئویی ای وجود دارد که تیراندازی مستقیم یک عضو نیروی مقاومت بسیج به سوی جمعیت معترض در پایان راهپیمایی مسالمت آمیز ۲۵ خرداد را نشان می دهد.

این تصاویر ویدئویی را معترضان با دوربین های تلفن همراه خود ضبط کرده اند. مقام های حکومت اسلامی در برخی موارد می گویند تیراندازی به این علت انجام شده است که معترضان قصد آتش زدن مسجد یا نیروگاه بسیج را داشته اند.

\* فعالین حقوق بشر و دمکراسی می گویند: بنابه گزارشات رسیده از آگاهی شاپور تهران، از صبح امروز تعدادی از خانواده هایی که از سرنوشت عزیزانشان بی خبر هستند و هنوز نام آن ها جزء دستگیرشدگان در ارگان های رژیم ثبت و تایید نشده است تجمع کردند.

آن ها بعد شنیدن خبر شهادت سهراب اعرابی و وعده های دروغین که در طی این مدت که به مادر درد مندش داده بودند و هم چنین شنیدن وجود ۵۰ الی ۶۰ بیکر از شهدای راه آزادی مردم ایران در آن شکنجه گاه مخوف سخت نگران هستند.

امروز سه شنبه ۲۳ تیرماه از ساعت ۸ صبح تا ۱۲:۳۰، تعدادی از خانواده با نگرانی زیاد به آگاهی شاپور مراجعه کردند و خواستار پیگیری وضعیت فرزندانشان شدند. این خانواده ها در روزهای درگیری بعد از انتخابات از فرزندانشان هیچ اطلاعی ندارند و چندین بار به دادگاه انقلاب و زندان اوین و پزشکی قانونی مراجعه کرده اند اما تاکنون از طرف هیچ يك از سازمان های فوق نام فرزندانشان تأیید نشده است. خانواده ها می گویند فرزندانشان تنها نبودند و همراه با یکی از بستگان و یا دوستانشان در اعتراضات شرکت کرده اند و به گفته همراهان آن ها تعدادی توسط نیروهای گارد و لباس شخصی بازداشت شده اند.

تعدادی از مادران در جلوی آگاهی شاپور فریاد می زدند اگر فرزندان را کشته اید لاقول جنازه آن ها را تحویل دهید و تعدادی با خشم هر چه تمام تر مرک بر خامنه ای را فریاد می زدند که مورد حمله سربازان جلوی درب آگاهی قرار گرفتند و با دادن وعده رسیدگی می کنیم سعی می کردند آن ها را آرام کنند اما پدران و مادران فریاد می زدند شما همه دروغ می گویند ما فرزندان را می خواهیم... (۲۳ تیر ۱۳۸۸)

\* کمیته پیگیری بازداشت های خودسرانه در ایران روز یکشنبه گذشته با انتشار اطلاعیه ای اطلاعات و آمار جدیدی را از تعداد و وضعیت بازداشت شدگان حوادث پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری در ایران منتشر کرد. در این اطلاعیه از جمله آمده است:

علی رغم اظهار نظر رییس پلیس تهران مبنی بر بازداشت تعداد بسیار اندکی در جریان اعتراضات روز ۱۸ تیر ۸۸، مطابق فهرست منتشر شده از سوی مقامات زندان اوین ۱۷۸ نفر در این روز بازداشت شده اند که به بستگان تعداد دیگری از بازداشت شدگان در هجدهم تیرماه اظهار کرده اند که اسامی مورد نظر آن ها در فهرست های ارائه شده نبوده است. هم چنین دادسرای دادگاه انقلاب تهران اعلام کرده که تا هفته آینده به دلیل عدم تشکیل پرونده پاسخگوی مراجعات در خصوص وضعیت این بازداشت شدگان نیست. گرچه پیش از این کمیته پیگیری تعداد شهروندان بازداشت شده در خیابان ها را در حدود ۲۰۰۰ نفر تخمین زده بود اما اطلاعات جدیدتر نشان می دهد که این عدد احتمالاً در حدود ۴۰۰۰ نفر در سراسر کشور است که البته بخشی از آن ها به مرور آزاد شده اند.

\* فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران (۲۴ تیر ۱۳۸۸ برابر با ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۹)، خبر داده اند که تجمع صدها نفر از خانواده های دستگیرشدگان در مقابل زندان اوین و دادگاه انقلاب ادامه دارد. امروز تعدادی اسامی از طرف دادگاه انقلاب و زندان اوین تایید شد اگر چه خانواده ها تا اندازه ای اطمینان حاصل می کنند که فرزند و یا همسرشان دستگیر شده اما با نگرانی از همدیگر می پرسند آیا عزیزان خود را زنده و سالم تحویل خواهند گرفت؟

اسامی تعدادی از بازداشت شده ها: ۱- سحر خرمی ۲۳ ساله دیپلم پنجشنبه ۱۸ تیر در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۲- صدیقه خانقاه ۳۶ ساله و مناهل خانه دار پنجشنبه ۱۸ تیر در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۳- مهناز ترابی ۲۹ ساله مناهل لیسانس زبان انگلیسی پنجشنبه ۱۸ تیر در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۴- صبا مظاهری ۲۶ ساله دانشجوی هنر پنجشنبه ۱۸ تیر در امیرآباد بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۵- الهه کاشفی ۲۳ ساله دیپلم پنجشنبه ۱۸ تیر در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۶- امیر سیدکامی ۲۱ ساله دیپلم پنجشنبه ۱۸ تیر در جمالزاده بازداشت و محل نگهداری وی نامشخص؛ ۷- آرمان قنبری ۲۷ ساله فوق دیپلم تراشکاری پنجشنبه ۱۸ تیر در انقلاب بازداشت و محل نگهداری وی نامشخص؛ ۸- بهزاد کامرانی ۲۵ ساله لیسانس کامپیوتر پنجشنبه ۲۰ خرداد در خیابان خوش بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۹- نادر قاضی میرسعید ۲۴ ساله دانشجوی فوق لیسانس عمران چهارشنبه ۲۷ خرداد در ولی عصر بازداشت و بعد از انتقال به کلانتری ۱۴۸ انقلاب به اوین منتقل شده؛ ۱۰- محمد کشکولی ۴۲ ساله پنجشنبه ۱۸ تیر در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۱۱- مهرشاد متین پور ۱۹ ساله دیپلم چهارشنبه ۲۷ خرداد در ونک به طور وحشیانه توسط لباس شخصی ها بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۱۲- محمد امین امیری ۲۰ ساله دیپلم سهشنبه ۲۶ خرداد در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۱۳- حامد نیک فر ۲۴ ساله فوق دیپلم ماشین آلات کشاورزی ۲۰ خرداد در یادگار امام بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۱۴- سعید قنبری پور ۲۸ ساله لیسانس شیلات پنجشنبه ۲۰ خرداد در آزادی بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۱۵- اسماعیل قره گزلو ۲۷ ساله دیپلم شغل آزاد پنجشنبه ۱۸ تیر در امیرآباد بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص؛ ۱۶- فرهاد بهادری ۲۵ ساله لیسانس حقوق پنجشنبه ۱۸ تیر در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۱۷- بهمن مداح ۲۵ ساله شغل آزاد پنجشنبه ۱۸ تیر در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۱۸- ایمان قدیانی ۲۷ ساله فوق دیپلم حسابداری پنجشنبه ۱۸ تیر در انقلاب بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص؛ ۱۹- صمد قره داعی ۲۰ ساله دیپلم شغل آزاد پنجشنبه ۱۸ تیر در کارگر بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۲۰- رضا مردانی ۲۹ ساله کارمند پنجشنبه ۱۸ تیر در خیابان وصال بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۲۱- مجتبی شهنساری ۲۲ ساله دانشجوی حقوق پنجشنبه ۱۸ تیر بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۲۲- علیرضا ورمزیار ۱۹ ساله دانشجوی کامپیوتر پنجشنبه ۲۰ خرداد در آزادی بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۲۳- وحید خندان ۲۷ ساله لیسانس علوم اجتماعی یکشنبه ۲۱ خرداد در ولی عصر بازداشت و بعد از انتقال به کلانتری ۱۴۸ انقلاب به اوین منتقل شده؛ ۲۴- عبدالله عزیزی ۲۴ ساله دیپلم شغل آزاد پنجشنبه ۲۰ خرداد در رودکی بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۲۵- عارف معاون ۲۵ ساله فوق دیپلم عمران چهارشنبه ۲ تیر در بهارستان بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۲۶- علیرضا ساعتچی ۲۰ ساله سهشنبه ۲۶ خرداد در صادقیه بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۲۷- محمد صادق امینی ۲۳ ساله پنجشنبه ۱۸ تیر در امیرآباد بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص؛ ۲۸- مجید طهمورث ۲۴ ساله لیسانس شیمی پنجشنبه ۱۸ تیر بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۲۹- محسن ابراهیمی ۳۶ ساله فوق دیپلم برق پنجشنبه ۲۰ خرداد در نواب بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۳۰- مهدی محمدی ۳۶ ساله دیپلم پنجشنبه ۲۰ خرداد در حیون بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۳۱- وحید حسین پور ۱۹ ساله دانشجوی فیزیک پنجشنبه ۱۸ تیر بازداشت و به اوین منتقل شده؛ ۳۲- محسن جلالیان ۲۸ ساله دیپلم شغل آزاد پنجشنبه ۱۸ تیر در آذر بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص؛ ۳۳- مصطفی آجلو ۲۹ ساله دیپلم کتابدار پنجشنبه ۱۸ تیر در انقلاب بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص.

\* بنا به گزارش خبرنگار امیرکبیر یکی از افراد بازداشت شده در روز ۱۸ تیر ماه که به کمپ کهریزک منتقل شده بود جان باخت. این فرد که دچار بیماری تنفسی شدید بود پس از چند روز از کمپ کهریزک به بیمارستان منتقل شد اما در بیمارستان به دلیل صدمات شدید جسمانی جان باخت. تعداد بازداشت شدگان تظاهرات روز ۱۸ تیرماه بیش از ۴۰۰ نفر اعلام شده است که نزدیک به ۱۴۰ نفر از آنان به کمپ کهریزک منتقل و به مدت ۵ روز در بازداشت بودند که در آن جا بارها مورد ضرب و شتم و بدرفتاری قرار گرفته اند.

\* با اجرای حکم اعدام «یونس آقایان» در زندان مرکزی شهر ارومیه تعداد اعدام شدگان در زندان های حکومت اسلامی، از ابتدای سال جاری تاکنون به ۱۸۰ تن رسید. بیشترین تعداد اعدام ها متعلق به تیرماه می باشد به طوری که در این ماه، ۶ تن در زندان اوین، ۶ تن در زندان شهر قم و ۱۲ تن در زندان مرکزی زاهدان به دستور دستگاه قضایی حکومت اسلامی اعدام شدند.

لازم به ذکر است در سال گذشته بنا بر آمار موجود ۲۴۶ فقره اعدام در زندان های حکومت اسلامی و در ملاء عام به مرحله اجرا گذاشته شده است.

\* در یک فیلم کوتاهی جنایت هولناکی دیدم. این فیلم کوتاه نشان می دهد که جنایت کاران حکومتی سه نفر را با دست های بسته یکی پس از دیگری از بالای پشت بام به پایین پرتاب می کنند و در پایین نیز دو نفر سریعاً آن ها را به جای دیگری انتقال می دهند.

\* بنا به اظهار گزارشگران بدن مرز، پس از یک ماه اعتراض، ۴۱ روزنامه نگار در زندان به سر می برند. گزارشگران بدون مرز در این باره اعلام می کند که «شرایط زندانیان بسیار نگران کننده است. چهار نفر از روزنامه نگاران بازداشت شده هم چون دیگر زندانیان به محلی نامعلوم منتقل شده اند. خانواده های آن ها از حق ملاقات با عزیزان خود محروم و وکلای این زندانیان علت بازداشت موکلین خود را نمی دانند، از دسترسی به پرونده محروم شده اند. بزرگ ترین زندان روزنامه نگاران در جهان، امروز به خطرناک ترین زندان برای روزنامه نگاران تبدیل شده است.»

اسامی روزنامه نگاران و وب نگاران دستگیر شده از تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۸۸، عبارتند از: عبدالرضا تاجیک، مهسا امربادی، احمد زیدآبادی، کیوان صمیمی بهبهانی، بهزاد باشو، سید خلیل میراشرفی، سمیه توحیدلو، شیوا نظر آهاری، محمد عطریانفر، سعید حجاریان، محمد علی ابطحی، سعید لیلان، محمد فوجانی، زیلا بنی یعقوب، بهمن احمدی امویی، مجتبا تهرانی، مازیار بهاری، علیرضا بهشتی پور شیرازی، اسماعیل حق پرست، مهدی زابلی، روح اله شهسوار، فریبرز سروش، عیسی سحرخیز، کامبیز نوروزی، مسعود باستانی، محمدرضا بزدان پناه، کاوه مظفری. توحید بیگی، مجید سعیدی، هنگامه شهیدی، سمیه نصرتی، سعید متین پور.

قبل از این نیز عدنان حسن پور، محمدحسن فلاحیه زاده، محمد صدیق کیبوند، کاوه جوانمرد، مجتبی لطفی، مسعود کردپور، حسین درخشان، بهمن تونوچی، سجاد خاکساری زندانی بودند. در کشوری که دستگاه های سانسور و سرکوب حکومتی این چنین رفتارهای غیرانسانی با روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان دارند باید تصور کرد که چه رفتارهای هولناک تری با فعالین سیاسی و شهروندان معترض می کنند؟!

این نمونه ها و صدها نمونه دیگر نشان می دهند که سران و نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی خشونت و وحشی گری خود را به اوج رسانده اند در چنین شرایطی، سفیر چنین حکومتی در استکهلم بی شرمانه تعدادی از تظاهرکنندگان که با عکس ندا و شعارهایی هم چون زندانی سیاسی آزاد باید گردد؛ شکنجه و اعدام لغو باید گردد؛ آپارتاید جنسی لغو باید گردد و غیره به مرکز ترور و جاسوسی حکومت در استکهلم وارد شده بودند را «خشونت طلب» و «تروریسم» می نامد؟!

سران حکومتی اسلامی و عوامل ریز و درشت آن آینده تیرو تازی دارند. در حال حاضر آن ها فقط به زور اسحله و سرکوب و کشتار و ترور حکومت خود را سر پا نگه داشته اند. بنابراین، چنین حکومتی دیر یا زود رفتنی ست و حکم رفتن آن را نیز مردم آزاده در تظاهرات میلیونی اخیر خود صادر کرده و به گوش جهانیان رسانده اند.

تظاهرات میلیونی و اعتراضات وسیع این چند هفته نکات بسیار ارزنده و مهمی را با خود به همراه داشت. یکی از مهم ترین نکاتی که به وضوح در این هفته ها خود را به طور برجسته ای نشان داد مقاومت فوق العاده جوانان دختر و پسر در مقابل نیروهای سرکوبگر تا دندان مسلح بود.

در چنین شرایطی، شیوه مبارزه تغییر یافته و در جهت فرسودگی نیروهای سرکوبگر تمام محلات و خیابان های شهرهای کشور به میدان مبارزه واقعی تبدیل شده اند. اکنون هر شهروند معترض در هر جایی که کار و زندگی می کند با احساس مسئولیت اجتماعی داوطلبانه و آگاهانه و همبستگی انسانی خود را یک فعال سیاسی و مبارز راه آزادی می داند؛ اخبار و گزارشات را پخش می کند و سعی دارد مردم را به مسایل روز آگاه و بسیج نماید.

نشریه خیابان، خبرنامه ندا و غیره که در بطن میدان مبارزه اعلام موجودیت کرده اند در سطح وسیعی در شهرهای سراسر کشور و هم چنین خارج کشور منتشر می شوند. طبیعی ست که هر انسان آزادی خواهی این نشریات را تقویت و توزیع و تبلیغ می کند و از آن خود می داند. شعارنویسی علیه حکومت در سطح گسترده ای مرسوم شده است. تلفن های همراه و وبلاگ ها و فیس بوک ها بزرگ ترین رسانه های مدرن امروزی هستند که دایما اخبار و گزارشات و فیلم های اعتراضات و مبارزات مردم در ایران و جهان در سطح میلیونی منتشر می کنند. در واقع یک شبکه وسیع خبری و تبلیغی - سیاسی در جامعه ایران راه افتاده است که شاید تاکنون در جهان بی نظیر بوده است.

بدین ترتیب حکومت اسلامی، به لحاظ سیاسی حکومت رعب و وحشت و ترور و آپارتاید است و هم چنین به لحاظ اقتصادی نیز اکثریت جامعه را در معرض فقر و انواع و اقسام آسیب های اجتماعی مانند تن فروشی، اعتیاد، خودکشی و غیره قرار داده است.

برای مثال «تورم ۳۰ تا ۶۰ درصدی در اثر اجرای طرح اقتصادی دولت»، یکی از گزارشات اخیر روزنامه «آفتاب یزد» بوده است. تامین مایحتاج اولیه زندگی برای کارگران و خانواده آن ها بسیار سخت تر شده است. حتی دست مزد ناچیز بخشی از کارگران به موقع پرداخت نمی گردد و به فروپاشی زندگی و خانواده آن ها منجر می شود.

تهدید و فشار بر روشنفکران مترقی و سانسور آثار آن ها و هم چنین دستگیری روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان در سطح غیرقابل تحملی در جریان است.

مسئله وقایع اخیر ایران، به روشنی نشان می دهد که مردم با هرگونه خشونت مخالفند و این حکومت جانی است که وحشیانه ترین و غیرانسانی ترین خشونت ها را از شکنجه روحی و جسمی تا اعدام و سنگسار و قصاص به کار می گیرد و در خیابان ها مردم معترض را کشتار می کند.

اکنون در خارج کشور، اعتراضات گسترده ای در جریان است و برخی شعارها و خواست های این تظاهرات ها مشترک است مثلاً «حکومت اسلامی سرنگون سرنگون»؛ «زندانی سیاسی آزادی باید گردد»؛ «شکنجه و اعدام و سنگسار لغو باید گردد»؛ «آپارتاید جنسی لغو باید گردد»؛ «سانسور و اختناق برجیده شود»؛ «آزادی

بیان، اندیشه، قلم و تشکل برقرار باید گردد؛ «آزادی تجمعات و اعتراضات به رسمیت شناخته شود»؛ «عاملین کشتارهای اخیر معرفی و محاکمه شوند» و هم چنین تلاش برای تعطیلی همه سفارتخانه ها و کنسولگری ها و دیگر مراکز فرهنگی و مذهبی حکومت اسلامی در خارج کشور که به عنوان مراکز ترور و تهدید و جاسوسی علیه مخالفین و فعالین سیاسی مورد استفاده قرار می گیرند تعطیل و همه تروریست - دیپلمات های حکومت اسلامی از کشورهای غربی اخراج شوند و به طور کلی حکومت اسلامی در بایکوت سیاسی همه جانبه ای قرار گیرد. این امر یک همبستگی بین المللی قوی با مبارزات جاری مردم ایران به وجود می آورد و به پیشبرد مبارزه و رهایی سریع جامعه ایران از شر و نکت حکومت ستمگر و استعمارگر اسلامی، کمک شایانی می رساند.

در چنین موقعیتی رباکاری و باوه گویی های سفیر حکومت اسلامی در استکهلم بر علیه اپوزیسیون سرنگونی طلب چپ و آزادی خواه، هرگز نمی تواند وحشی گری های حکومت شان توجیه و پرده پوشی کند. حکومت اسلامی، رسواترین و جانی ترین و تبه کارترین حکومت جهان است و سابقه سی ساله در تروریسم دولتی و سرکوب و کشتار مردم ایران و هم چنین اصلی ترین حامی تروریسم در سطح بین المللی است. بنابراین، اگر حکومت اسلامی در ایران فعالین سیاسی را دستگیر و شکنجه و اعدام می کند طبیعی ست که در خارج کشور به دلیلی شرایط فعلی تروریست - دیپلمات های آن نمی توانند مانند سابق فعالین سیاسی را ترور کنند بر علیه مبارزان واقعی راه آزادی و سوسیالیسم هر آنچه می توانند به کار می گیرند. اما سنوآل این است که چرا رسول اسلامی، این سفیر ده ها هزار اعدام، درباره این مساله که یکی از مامورین سفارت به روی تظاهرکنندگان اسلحه کشید و توسط تظاهرکنندگان خلع سلاح شد، حرفی نمی زند و سکوت مطلق کرده است؟ این اسلحه کمری دو روز بعد نخست به روزنامه اکسپرس برده شد و سپس تحویل پلیس گردید. اما نه اکسپرس در مورد آن خبری را درج کرد و نه هنوز پلیس امنیتی سوئد در مورد آن اظهارنظر کرده است؟ آینده نه چندان دور روشن خواهد کرد که این سکوت طرفین به چه دلیل بوده است؟! چرا این سفیر رعب و وحشت ترور از این وحشی گری مامورانش بر علیه تظاهرکنندگان، سخنی به میان نمی آورد؟ لابد از نظر ایشان ترور، جاسوسی، شکنجه، اعدام، فضا، سنگسار و کشتار مردم بی سلاح در خیابان های تهران و شهرستان ها «خشونت» و «ترور» و «آدم کشی سازمان دهی و طراحی شده توسط دولت» نیست؟ اخراج صدها نفر از تروریست - دیپلمات حکومت اسلامی فقط از سوئد، به دلیل فعالیت های تروریستی و جاسوسی علیه اپوزیسیون سرنگونی طلب، چون حق طبیعی حکومت اسلامی است نباید حرفی در مورد آن ها زد؟ اما ورود تنی چند از معترضین به سفارت و شکستن چند شیشه آن «خشونت» و «تروریسم» است؟!

آیا سفیر حکومت اسلامی در استکهلم، خبرهای واقعی سرکوب و کشتار مردم که خبر و فیلم و تصویر آن ها لحظه به لحظه توسط فعالین سیاسی، فرهنگی و اجتماعی منتشر می شوند و در بالا به نمونه های کوچکی از آن ها نیز اشاره کردیم، دنبال نمی کند؟ آیا در این یک ماه تظاهرات های هزاران نفری روزانه که در خیابان ها و میادین شهر استکهلم توسط نیروهای اپوزیسیون و مردم آزاده با شعارهای «حکومت اسلامی، سرنگون سرنگون»، «سفارت ایران، این مرکز ترور تعطیل باید گردد»؛ «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»؛ «عاملین سرکوب و کشتار محاکمه باید گردند»؛ «سران حکومت اسلامی به دلیل جنایت علیه بشریت محاکمه باید گردند» و غیره در جریان است را نمی بیند و نمی شنود؟ آیا در مقابل این اعتراض میلیونی مردم ایران و هم چنین تظاهرات های گسترده پناهندگان و مهاجرین ایرانی آزادی خواه در کلیه کشورهای غربی، ذره ای احساس عذاب وجدان انسانی برای وی به وجود نمی آورد، البته اگر یک جو انسانیت در او مانده باشد؟ در اخبار و گزارشات آمده است که سرکوبگران و شکنجه گران حکومت اسلامی، به تجاوز گروهی و فردی، به عنوان ابزار شکنجه برای گرفتن اطلاعات استفاده می کنند. برای نمونه، در خبرهای روز ۲۲ تیر ۸۸ آمده است که ترانه موسوی، از دستگیرشدگان ۷ تیر ۸۸، بیهوش به بیمارستان تحویل داده شده است. بر بدن بیهوش او آثار تجاوز مکرر مشاهده می شود. گفته یکی از دوستان ترانه، پس از دو هفته از دستگیری او، فردی ناشناس با منزلش تماس گرفته و به مادر ترانه خبر بستری بودن وی را در بیمارستان امام خمینی کرج می دهد. او پارگی رحم و مقعد را نیز دلیل بستری شدن ترانه ذکر می کند. خانواده ترانه به آن بیمارستان مراجعه می کنند اما مسئولان بیمارستان بستری شدن ترانه موسوی را تکذیب می کنند و تنها یکی از پرسنل می گوید که دختری را با موهای بافته شده دیده است که چند نفر با ظاهری به گفته او «حزب الهی» بیهوش می آورند و بیهوش می برند. حملاتی که این ناشناس در مکالمه تلفنی با مادر ترانه بیان می کند نشان می دهد که ماموران وزارت اطلاعات و لباس شخصی ها می خواسته اند ذهن خانواده ترانه را از سیاسی بودن قضیه منحرف کنند و به آنان بقولانند که دخترشان از نظر اخلاقی مشکلاتی داشته است تا خانواده نیز پس از شنیدن خبر مرگ فرزندشان، از پیگیری و پی جویی درباره چند و چون مرگ وی خودداری کنند... روزنامه گاردین نیز از زبان یک پسر جوان که در تظاهرات خیابانی دستگیر شده، نوشته است که تجاوز گروهی و فردی به او دیگر به امری به صورت شکنجه و تحقیر، بلکه آدم کشان از این کار به طور روزانه لذت می برند. در حالی که تجاوز به زندانی جرم و جنایت بزرگی است. رسول اسلامی، در استکهلم و دیگر سفرای این حکومت در جهان، سفرای چنین حکومتی هیولایی هستند آیا از این همه وحشی گری حکومت شان، نباید احساس شرم کنند؟!

مسلماً دور نیست آن روزی که زنان، کارگران، دانشجویان و مردم تحت ستم داخل کشور و هم چنین نیروهای آزاده سرنگون طلب خارج کشور با جلب همبستگی جهانی با مبارزات بر حق مردم ایران، حکومت اسلامی را سرنگون کنند و به اختناق و سانسور، جهل و خرافات ملی و مذهبی، وحشت و ترور، خشونت و کشتار، شکنجه و اعدام، نابرابری و استعمار حکومتی در این کشور پایان دهند و در سطح منطقه و جهان حامی مبارزات کارگران و مردم آزاده ای باشند که در جهت برقراری آزادی و برابری مبارزه می کنند. قطعاً هر تحول مثبت و منفی در جامعه ایران، بلافاصله تأثیر خود را در منطقه و جهان می گذارد از این رو، جلب حمایت و پشتیبانی افکار عمومی مردم آزاده جهان و جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و دیگر جنبش های دمکراتیک از مبارزات کنونی مردم ایران، تلاشی ارزنده و کامی مهم در دفاع از آزادی و برابری و حرمت انسانی است. یک نمونه از این همبستگی انسانی، اقدام برخی از وکلای مترقی اروپایی است. به گزارش خبرگزاری های غربی، ۹ وکیل برجسته اروپایی قصد دارند در اعتراض به سرکوبی اخیر معترضان در ایران علیه سران حکومت اسلامی اعلام جرم نمایند. «ویلیام بوردون»، حقوقدان فرانسوی در این باره گفته است هدف این گروه از وکلا از این اقدام شکستن مصونیت مطلق رهبران حکومت اسلامی در برابر قانون است. «ژان پیر اسپیتزر»،



عضو دیگر این گروه نیز گفت: این وکلا برای متهم کردن رهبران حکومت اسلامی به جنایت علیه بشریت، قصد دارند با دادگاه بین المللی لاهه مشورت کنند.

روز جمعه ۲۶ تیر ماه خیابان های تهران بار دیگر شاهد تظاهرات گسترده حدود یک میلیون تن از مردم بود که در تقاطع درگیری ها بین تظاهرکنندگان و نیروهای سرکوبگر حکومتی روی داد.

روز جمعه موجی از این جمعیت در خیابان های اطراف دانشگاه تهران محل برگزاری مراسم نماز جمعه، با سردادن شعارهایی علیه حکومت اسلامی، از جمله خواستار آزادی زندانیان سیاسی شدند.

گزارش ها حاکی ست که گروه های بزرگی از جوانان معترض، در برخی از خیابان های اطراف دانشگاه تهران، با روشن کردن آتش و شعارهای «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «مرگ بر دیکتاتور» و غیره سردادند و در مقابل یورش ماموران امنیتی و لباس شخصی ایستادند. از شمار احتمالی زخمی ها و بازداشت شدگان خبری در دست نیست.

مسئول وبلاگ گاردین، در مورد انعکاس سریع وقایع ایران، نوشت: «من هرگز شاهد این همه فیلم از اعتراضات تنها در عرض یک روز نبودم.» او ادامه داد تا ساعتی که خبر را می نوشت یعنی چهار و نیم بعد از ظهر جمعه به وقت لندن، ۹۸ فیلم در YouTube\VPeive موجود است. چنان که می دانیم تظاهرات ادامه یافته و ارسال خبر و تصویر ادامه داشت.

همراه با تظاهرات میلیونی مردم روز جمعه در خیابان های تهران، خانواده زندانیان سیاسی و بازداشت شدگان اعتراضات اخیر در مقابل زندان اوین تجمع کردند. گروه هایی از مردم در مقابل سفارت روسیه در تهران اجتماعی بر پا داشته و با شعار دادن علیه حمایت دولت روسیه از حکومت اسلامی، اعتراض نمودند. در مقابل وزارت کشور نیز تظاهرات بزرگی از مردم بر پا شده بود. در این محل نیروهای سرکوبگر حکومت به مردم هجوم آوردند و مردم در مقابل آن ها دست به مقاومت زدند.

خبرگزاری فرانسه، در گزارشی از تهران نوشت تظاهرات روز جمعه در پی اعتنایی به ممنوعیت های ابلاغ شده در رابطه با گردهمایی های ضدولتی صورت گرفت. رسانه های خارجی از دادن پوشش خبری به نماز جمعه ممنوع شده بودند. شاهدان گفتند نیروی انتظامی و بسیجی ها در خیابان های اطراف دانشگاه مستقر شده بودند، ولی مردم توانستند با گریز از آن ها دست به تظاهرات بزنند. یکی از شاهدان گفت نیروی انتظامی شبیه اتومبیل هایی که رانندگانشان بوق می زدند را خرد می کردند. بوق زدن هنگام تظاهرات یک تاکتیک به کار گرفته شده توسط تظاهرکنندگان است.

شبکه تلویزیونی سی ان ان نیز در گزارشی از تظاهرات روز گذشته تهران گفت، ده ها هزار نفر و به قول برخی گزارش ها، صدها هزار نفر به خیابان ها آمده بودند. ما در سال ۱۹۹۹ (۱۸ تیر ۸۷) نیز شاهد یک قیام دانشجویی بودیم، ولی آن اعتراضات تنها یک هفته دوام آورد. این بار اما ما شاهد هفته ها قیام و اعتراض هستیم و صدای مخالفت مردم پایان نمی پذیرد و استمرار دارد.

وقایع قبل و پس از نماز جمعه تهران و شعارهایی که تظاهرکنندگان در خیابان ها سردادند نشان می دهد که بخش عظیمی از این مردم نه برای شرکت در نماز جمعه، بلکه برای تداوم مبارزه خود به خیابان ها ریخته بودند. رفسنجانی، این عنصر قدرتمند حکومت اسلامی، در خطبه های نماز جمعه خود تلاش کرد موقعیت خود را به عنوان یک مدافع پیگیر حکومت اسلامی و با اعلام وفاداری به آن، موقعیت خود را در میان کمشکس ها و رقابت های جناح های درون حکومت تثبیت کند.

رفسنجانی با سخنان دو پهلوئی خود و با تاکید به این که اختلافات در محدود درون خانوادگی هستند، سعی کرد نیروهای وفادار و طرفدار حکومت اسلامی را بار دیگر دور هم متحد کند و در مورد خطرانی را که کل حکومت اسلامی را تهدید می کند، به آنان هشدار دهد.

سخنان و موضع گیری های رفسنجانی در نماز جمعه اخیر، که همواره بقای حکومت را مدنظر دارد چیز تازه ای نیست و وحشت وک و همه سران ریز و درشت و جناح های درون حکومتی از رشد و گسترش و رادیکال شدن اعتراضات اجتماعی مردم را به نمایش می گذارد. مردمی که از ستم و سرکوب و استثمار این حکومت جانی صبرشان لبریز شده است و برای تغییر آن به خیابان ها آمده اند.

بنابراین، پرونده و سابقه و عملکردهای رفسنجانی از آغاز حکومت اسلامی تا به امروز، آن چنان سیاه است که نوهی نسبت به سخنان وک در جامعه و مبارزه مردمی به وجود نمی آید. وک یار نزدیک امام خمینی و هشت سال در پست ریاست جمهوری و پس از آن تا به امروز در پست مهم رییس شورای تشخیص مصلحت نظام و نهایت سی سال حضور دایمی او در نهادهای رهبری و تصمیم گیرنده کلان حکومت، اصولا نباید برای کسی این شبهه را به وجود آورد که او هم طرفدار جنبش اعتراضی مردم شده است. او، هم چون دیگر سران و مدیران رده بالا و فرماندهان و سرداران حکومت اسلامی، در همه جنایات سی ساله این حکومت سهیم بوده است. بر این اساس او، نه برای دلسوزی و همبستگی با مبارزات و خواست های کارگران، زنان، دانشجویان، روشنفکران و مردم محروم و سرکوب شده، بلکه بر عکس در جهت سهم گرفتن از رقابت ها و کمشکس های جناح های درون حکومتی و نجات حکومت، سخنان دو پهلوئی می زند و اشک تمساح می ریزد.

شواهد و واقعیت های چند هفته اخیر مبارزات مردم ایران، نشان می دهد که اکثریت مردم این کشور، با شهامت و جسارت و سرافرازی و با قامتی استوار در مقابل هارترین حکومت جهان ایستاده اند و بهای آن را نیز آگاهانه می پردازند. این مردم عزم کرده اند که تا سرنگونی این حکومت جانی و برقراری یک جامعه نوین عاری از ستم و نابرابری در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، دست از مبارزه بر حق خود برندارند و چه در داخل و چه خارج کشور در هر جایی از حق طبیعی «دفاع از خود» نیاز داشته باشند، استفاده کنند. پس دور نیست آن روزی که مردم با کوشش و مبارزه متحد و پیگیر و مستقل خود، بساط این حکومت ارادل و اوپاش و جنایت کار را برچینند و جامعه ای درخور و شایسته انسان بسازند.

بیست و هفتم تیر ۱۳۸۸ - هجدهم یولی ۲۰۰۹